



## ۵ یادنامه علامه محمد قزوینی

دوست بودند، به وزارت فرهنگ و پس از سپاس گزاری از توجهی که نسبت به او شده بود با اصرار تقاضا کرد که لایحه مربوط به اورا از مجلس پس بگیرم، زیرانی خواهد سدی که قانون برای ورود به هیأت علمی دانشگاه برقرار شده بود به خاطر او شکست بردارد. هر چه گفتم مورد اواستثنایی است و نظیر پیدا نخواهد کرد قانع نشد و تا از من قول قطعی نگرفت که تقاضایش مورد قبول است از دفترم بیرون نرفت.

من از یک سو متأسف بودم که نتوانستم چنین مرد دانشمند شریفی را وارد کادر علمی دانشگاه کنم، از سوی دیگر به جبران آن تأسّف این رضایت خاطر را هم داشتم که به گفته صحیح قزوینی، سد شکسته نمی شد، سپس در اولین جلسه رسمی مجلس شورای ملی به پشت تریبون رفتم لایحه مربوط به قزوینی را رسماً پس گرفتم. کسانی که امیدوار بودند با تصویب این لایحه، با اضافه شدن نام شان به نوایی خواهند رسید، از من گله مند شدند و البته در درجه اول محیط طباطبایی بود، که هنوز هم پس از سالیان دراز که از آن ماجرامی گذارد و با وجود سال ها دوستی و همکاری که در «انجمن فلسفه و علوم انسانی» با هم داشته ایم خیال می کنم که در ته دل مران بخشوده و هنوز گله مند باشد. (دکتر علی اکبر سیاسی، گزارش یک زندگی، جلد اول، نشر اختران، تهران، ۱۳۹۹، صص ۱۸۹-۱۹۱)

### ◆ چاپ دیوان حافظ شیرازی

پس از بازگشت به ایران، از طرف وزارت فرهنگ قرارداد با قزوینی منعقد شد که چایی از دیوان خواجه حافظ ترتیب دهد. قزوینی با کمک دکتر قاسم غنی تعدادی از نسخه های خطی قدیمی دیوان حافظ را تهیه نمود و دو سالی برای مقابله نسخ کار کرد و سرانجام نسخه ای مصحح از غزلیات حافظ انتشار داد که با استقبال ادب دوستان مواجه شد و در حال حاضر یکی از بهترین و معتبرترین چاپ های دیوان خواجه شیراز است.

استاد فرزانه زنده یاد دکتر

عبدالحسین زرین کوب در گفتاری که در کتاب «یادنامه علامه قزوینی» به کوشش علی دهباشی نوشته، درباره دیوان حافظ چاپ قزوینی می نویسد:

«محمد قزوینی را که عنوان مبتذل شده علامه چیزی بر قدر او نمی افزاید، در ایران امروز غالباً به خاطر طبع انتقادی بی همانند او از دیوان حافظ می شناسند. این طبع با آنکه به کلی عاری از بعضی مسامحات نیست، در مدت بیش



تقاضای تصویب ماهی هزار فرانک جهت شیخ محمدخان قزوینی در از، خدمات معارفی و ادبی ایشان

از نیم قرن که از انتشار آن می گذرد هنوز یگانه طبع انتقادی قابل اعتماد از دیوان حافظ است. با وجود طبع های انتقادی دیگر که بعضی از آنها از نسخه های مورد رجوع قزوینی کهن تر نیز بوده، هیچ یک جامع مزیت های چاپ قزوینی نیست. کسانی هم که این طبع های تازه به اهتمام آنها انجام شده است، هرگز به قدر قزوینی دانش هایی را که برای نقد و تصحیح متون دیوان حافظ ضرورت دارد، واجد نبوده اند. درست است که بعضی از آنها ادیب و شاعر و شعرشناس پر مایه ای هم بوده اند، برای نقد متن دیوان خواجه غیر از ذوق شعر و فهم لطیف الفاظ و تعبیرات خاص حافظ آشنایی با زمینه ذهنی او که معارف رایج در عصر او در زمینه ادب و تفسیر و کلام و حکمت و عرفان را شامل می شود نیز الزام می کند، و کیست که تقوی و برتری وی را در این زمینه بر سایر کسانی که بعد از او داعیه طبع و تصحیح دیوان را از خاطر گذرانده اند درباره او مورد تردید قرار دهند. طبع انتقادی دیوان حافظ مهمترین کار ارزنده ای بود که قزوینی در بازگشت به ایران در زمینه یک متن مهم زبان فارسی انجام داد. (یادنامه علامه محمد قزوینی، به کوشش علی دهباشی، انتشارات کتاب و فرهنگ، تهران، ۱۳۷۸)

### ◆ قزوینی پیشگام پژوهش های ادبی در ایران

علامه قزوینی را صاحب نظران و اهل دانش پایه گذار روش های تحقیق ادبی و به ویژه نقد و بررسی متون و تصحیح و ویرایش نسخ

زنده یاد ایرج افشار در گفتاری درباره درآمدهای گاهگهی قزوینی در طول زندگی خود می نویسد:

«در دوره جنگ جهانی اول از پاریس به برلن رفت به دعوت سید حسن تقی زاده، امرار معاش آنها از مؤونه ای بخور و نمیر بود که دولت آلمان به آنها می پرداخت. تقی زاده مسئول و متصدی آن امور بود تا این که مرحوم محمدعلی فروغی در دوره خدمتگزاری دولتی خود برای قزوینی مبلغی به عنوان کمک خرج پادار کرد. قزوینی چند بار تا آنجا که به یادم مانده است به این موضوع در نامه های خود به تقی زاده اشاره کرده است، پس، به جز براون و اوقاف گیب «محمدعلی فروغی» است که کمک مؤثر به قزوینی برای آسوده بودن خیال او در تحصیل مخارج زندگی کرد. قزوینی در آمد دیگری نداشت صاحب ملک و مال نبود. اواخر عمر خانه ای کوچک در پاریس داشت که در آمد چندانی از آن به دست نمی آمد. (بخارا، شماره ۹ و ۱۰ - آذر - اسفند ۱۳۷۸، صص ۸۵-۸۷ - به نقل از نادره کاران ص ۸۰).

قزوینی در کتاب «نامه های پاریس» در پیوست هشتم با عنوان «یادداشت های مالی و احوالی شخصی مجموعه دریافتی ها و درآمدهای خود را از ۱۶ ژانویه ۱۹۲۸ م تا ۸ تیر ۱۳۳۳ قهرست وار با ذکر ارقام دریافتی یادداشت کرده است. (رک: نامه های پاریس، صص ۳۸-۳۹)

### ◆ رد پیشنهاد دانشگاه برای کرسی استادی

قزوینی زمانی که از سفر طولانی خود در اروپا به ایران بازگشت، پیشنهاد دانشگاه تهران، برای پذیرش استادی در دانشکده ادبیات را رد کرد.

عباس اقبال آشتیانی در این باره می نویسد: «هیچ وقت کاری را، که در حد تخصص او نبود یا وقت را برای به سر رساندن آن کافی نمی دانست، نمی پذیرفت. چنان که، هر قدر دوستان او در تهران اصرار کردند که مقام استادی دانشگاه را قبول کند و برای تدریس در آنجا حاضر شود، زیر بار نرفت و گفت: من تخصصی در معلمی ندارم و اگر چیزی می دانم، از نوع همین تصحیح متون قدیمی و نوشتن مقدمه و حواشی بر آنهاست و اگر بخواهم خود را برای تدریس آماده کنم، چون وجدان نمی توانم چیزی را که کاملاً نمی دانم به دیگران بیاموزم، ناچار باید مدتی وقتم صرف این کار شود و عمرم به آن وفا نخواهد کرد.» (به یاد مرحوم علامه قزوینی، اطلاعات ماهانه، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۲۸ خ)

اما دکتر علی اکبر سیاسی که در آن زمان ریاست دانشگاه تهران را بر عهده داشت روایتی دیگر از این امتناع قزوینی از قبول پیشنهاد استادی دانشگاه را ارائه می دهد. او در این باره می نویسد:

«میرزا محمدخان قزوینی سال های متمادی در اروپا به سر می برد و به تتبع و تحقیق اشتغال داشت، از نظر مسایل اخلاقی و مقامات علمی کم نظیر و از نظر تبحر در تمدن اسلامی در ایران بی نظیر بود. او در میان خاورشناسان شهرتی بسزا داشت. حرف او را حجت می دانستند و به گفته های او استناد می کردند. او به توصیه «محمدعلی فروغی» و دیگران بعد از جنگ جهانی دوم به ایران بازگشت و من برای تجلیل از او و هم برای اینکه میدان افاضه پیدا کند خواستم او را به عنوان استادی وارد دانشگاه کنم. این کار با رعایت شرایط و مقررات معمول میسر نبود. پس لایحه ای تهیه و تنظیم کردم که بر طبق آن او بتواند استثنائاً با رتبه ده استادی وارد دانشگاه شود. این لایحه را پس از تصویب هیأت دولت تقدیم مجلس کردم و از طرف نمایندگان مورد تحسین قرار گرفتم. لایحه طبق معمول برای رسیدگی به کمیسیون مربوطه در این مورد کمیسیون فرهنگ رفت.

فردای آن روز سید محمد محیط طباطبایی در وزارت فرهنگ به دفتر من آمد و تقاضا کرد که چون شرایط و مقررات معمول (داشتن درجه دکتری) اجازه ورود من را به کادر علمی دانشگاه نمی دهند، نامش را در لایحه ای که تقدیم مجلس شده بود به نام محمد قزوینی اضافه کنم. از شنیدن این تقاضا من بی اختیار بر آشفتم که این چه توقع بی جایی است که از من می شود. آن زمان محیط طباطبایی عنوان دبیر داشت و شهرتی را که بعداً به عنوان یک دانشمند و محقق پیدا کرد هنوز به دست نیامده بود. وقتی به او گفتم شما بطور به خودتان اجازه می دهید توقع کنید در ردیف میرزا محمدخان قزوینی قرارتان دهند؟ او سر به زیر افکند و رفت شنیده شد که بعضی از نمایندگان مجلس در نظر دارند هنگامی که لایحه قزوینی در جلسه عمومی مطرح می شود پیشنهاد کنند نام یکی دو تن دیگر به نام قزوینی اضافه گردد.

گویا این جریانات به گوش قزوینی رسیده بود، زیرا روزی آن مرد شریف همراه استاد علی تقی وزیری که در شمیران همسایه و

جلالت قدر این مرد بزرگ در مجامع بین المللی غبطه می برد، زیرا استشهادهای قزوینی قاطع هر مباحثه ای است (قاسم غنی، مجله یغما، سال ۳، شماره ۱۳۴۰).

### ◆ عکس برداری از نسخ خطی

یکی از کارهای مفید و باارزش قزوینی در فرانسه، عکس برداری از هجده فقره از نسخ خطی منحصر به فرد و کمیاب فارسی و عربی در کتابخانه های مهم اروپا بود که در فاصله سال های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۸ م انجام پذیرفت.

قزوینی ضمن عکس برداری از نسخ مزبور، از هر کدام چند دوره تهیه و برای هر یک مقدمه ای مفصل در معرفی آنها نوشت و ضمن صحافی به تهران فرستاد. بنا به نوشته دکتر محمد معین: «اینک نسخ مزبور در کتابخانه های ملی، مجلس شورای دانشکده ادبیات در دسترس ارباب فضل است.» (مجله دانش، سال اول، شماره ۳، خرداد ۱۳۲۸).

### ◆ بازگشت به ایران

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی، با بروز جنگ جهانی دوم در اروپا، قزوینی قصد بازگشت به وطن مألوف نمود و بعد از سی و شش سال اقامت در شهرهای اروپا هفتم مهرماه آن سال به تهران وارد شد و بلافاصله در همان ماه عضو پیوسته، فرهنگستان ایران گردید.

قزوینی در تهران نخست مدتی در خانه دکتر علی شایگان اجاره نشین بود، مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی در این باره می نویسد: «وقتی که مرحوم قزوینی در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد، مدت ها اجاره نشین بوده است و سه چهار سال یا بیشتر قسمتی از خانه مرحوم دکتر سید علی شایگان در کوچه جم خیابان شاه نزدیک حشمت الدوله در اجاره او بوده است. (حاصل اوقات، صص ۸۴۵). اما بعد خانه ای در خیابان فروردین، کوچه دانش، پلاک ۲۰ به طور نقد و اقساط تهیه نمود، از آن هنگام غالب روزها با و فضایی کشور برای دیدار او بدان خانه می رفتند، از جمله کسانی که مرتب به زیارت او نایل می شدند، دوست و یار با وفای او دکتر قاسم غنی و عباس اقبال آشتیانی بود.

قزوینی در وصیت نامه ای که به تاریخ ۱۳۲۶/۸/۴ تنظیم کرده بود، درباره خانه مذکور می نویسد:

«خامسا» در طهران یک خانه دارم که در همین سال جاری ۱۳۲۶ شمسی در ماه خرداد خریده ام به مبلغ سی و شش هزار

تومان و تا به حال دو هزار تومان بل به طور قطع بیشتر در اصلاحات و تعمیرات و آسفالت کوچه در آن خرج کرده ام، و اگر برق را هم که به توسط اقدامات وزارت فرهنگ (ظاهراً دکتر قاسم غنی نوشته بود و آن را سپاه کرده و به جای آن وزارت فرهنگ نوشته است. ایرج افشار) مجاناً در آن برقرار شده ولی معمولاً دو هزار تومان بمانت خرید، فروش می شود به آن بیفزائیم این می شود درست سی و نه هزار تومان قیمت فعلی آن، (نامه های پاریس، صص ۳۴۹).

و در جای دیگر وصیت نامه در مورد اقساط خانه مذکور می نویسد: «اما قروض من عبارت است: اولاً از ده هزار تومان بدهی بانک رهنی که خانه من نزد او گرواست در مقابل این مبلغ، و این قرض به ربع صدی دوازده است به موعده هفت ساله که از قرار ماهی ۱۷۷ تومان به اقساط ماهیانه از خرداد ۱۳۲۶ تا هفت سال تمام در ۸۴ قسط هر ماه مبلغ مزبور را یعنی صد و هفتاد و هفت تومان اصل و فرع به طور استهلاك باید به بانک بپردازم و تا امروز (۱۳۲۶) چهار قسط قرض مزبور را به بانک پرداخته ام.» (نامه های پاریس، از محمد قزوینی به سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، نشر قطره تا تهران، ۱۳۸۴، صص ۳۵۱-۳۵۲)

گذران زندگی این دانشمند بزرگ در دوره اقامتش در تهران، از راه کمک وزارت فرهنگ وقت، به عنوان حق التالیف آثاری که برای چاپ فراهم می کرد. اداره می شد. در نتیجه او وضعیت مالی مرفهی نداشت ولی هیچگاه از این بابت شکوه و شکایتی نمی کرد. قزوینی در مدت اقامت خود در تهران، با همه ناتوانایی ها که گاهی بر او چیره می شد، مرتباً کار می کرد و گاهگاهی مقالاتی هم انتشار می داد.



یکی از دفترهای علامه قزوینی که به دانشگاه تهران سپرده شد